

نقش آموزش و پرورش در تغییر و اصلاح خصایل و رفتارهای ایرانیان

www.drmahmoudi.com

مقدمه

دربارهٔ خلق و خو، روحیات، عادات و رفتارهای فردی و اجتماعی ایرانیان، تاکنون از سوی پژوهشگران ایرانی و خارجی صدها کتاب و مقاله نوشته شده است. هر نویسنده کوشیده است جنبه‌های مثبت و منفی زندگی و رفتار ایرانیان را ترسیم کند. از سید محمدعلی جمالزاده (۱۳۷۶-۱۲۷۰) در *خلقیات ما ایرانیان* تا جیمز موریه (۱۸۴۹-۱۷۸۰) در *حاجی بابای اصفهانی*. پرسش اساسی این است که چرا دست کم در سدهٔ اخیر به رغم تلاش‌های علمی در ترسیم، تحلیل و نقد خلق و خو و رفتار ایرانیان، تغییر و اصلاح چشمگیری در آنان پدید نیامده است. بدین‌سان، هر نسل، فرهنگ و هنجارهای فردی و اجتماعی خود را به نسل بعد منتقل کرده است و این چرخه همچنان ادامه دارد. به نظر من، وجه غالب آنچه از صفات، عادات و کنش‌ها در نسل‌ها از پس یکدیگر انتقال یافته، اغلب دربرگیرندهٔ وجوه منفی، عقب مانده و ویرانگر بوده است تا وجوه مثبت، پیشرفته و سازنده.

در این نوشتار، نخست نمونه‌هایی از خلق و خو، عادات و رفتارهای منفی ایرانیان ذکر می‌شود. سپس به دلایل و علت‌های بروز و تداوم آنها اشاره خواهد شد. در ادامه، نقش و تأثیر آموزش و پرورش در راستای تغییر و اصلاح خصایل، عادات و رفتارهای منفی ایرانیان مورد بحث و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

نمونه‌هایی از خصایل و رفتارهای منفی ایرانیان

فهرستی که در مورد خلق و خو و رفتار ایرانیان در پی می‌آید، تصویری از منش و کنش مردم ارائه می‌دهد که در ایران امروز نیز می‌توان مصداق‌های گوناگون آنرا یافت. این فهرست - که نمونه‌هایی از عادات و رفتارهای ایرانیان را دربرمی‌گیرد و رواج و شیوع بیشتری دارد- بر مبنای تجربه‌های مستقیم راقم این سطور در دهه‌های اخیر فراهم

آمده است. در سنجش صدق و کذب این صفات و رفتارها، به کارگیری روش ابطال‌پذیری^۱ کارل پوپر (۱۹۹۴-۱۹۰۲) برای ناقدان این متن گشوده است. دو نکته را نیز لازم است بیفزاییم. نخست اینکه، صفات، عادات و رفتارهای ذکرشده در این فهرست، محدود به توده مردم ایران نیست، بلکه شماری از نخبگان و حاکمان را نیز دربرمی‌گیرد. دوم اینکه، نه شمار این صفات در همه افراد باهم برابrand و نه درجات آنها باهم یکسان‌اند:

۱. ناآگاهی از معنی مفهوم‌هایی همانند حقوق، قانون، الزام قانونی، الزام اخلاقی و تفاوت میان آنها.

۲. بی‌دقتی در فهم درست و دقیق گفته‌ها و نوشته‌ها،

۳. ناتوانی در مفاهمه و همکنشی با یکدیگر،

۴. فقدان و یا ضعف نگرش و منش اخلاقی در روابط اجتماعی،

۵. قانون‌گریزی و رعایت نکردن قوانین و مقررات،

۶. رعایت نکردن حقوق شهروندی در روابط اجتماعی با همسایگان، در خیابان، بازار، ادارات،

۷. آلوده کردن محیط زیست به شکل‌های گوناگون،

۸. خشونت‌ورزی، خودآزاری، دگرآزاری،

۹. بی‌نظمی در انجام کارها، به تاخیر افکندن کارها تا آخرین روزها و ساعت‌ها،

۱۰. فرصت‌طلبی و سوءاستفاده از موقعیت‌ها،

۱۱. عجله و بی‌تابی در انجام کارها،

۱۲. بی‌دقتی در انجام کارها،

۱۳. رعایت نکردن نظم و نوبت در مراجعات،

۱۴. خودمحوری،

۱۵. خودهمه‌انگاری و استبداد رأی در خانواده، روابط اجتماعی و کشورداری،

^۱ . falsifiability

۱۶. دروغ‌گویی و وارونه جلوه‌دادن حقیقت،

۱۷. سوگند خوردن به دروغ در جهت منافع شخصی و گروهی،

۱۸. پنهان‌کاری،

۱۹. ریاکاری،

۲۰. بهانه‌جویی،

۲۱. دلیل‌تراشی،

۲۲. سوءاستفاده از اشخاص و ضعیف‌گشی،

۲۳. سازشکاری،

۲۴. فرصت‌طلبی،

نقش آموزش و پرورش در تغییر و اصلاح عادات و رفتارهای ایرانیان

تغییر و اصلاح صفات منفی مردمان به مثبت، کاری به غایت پیچیده و طاقت‌سوز است. شوربختانه در ایران کوشش‌هایی که تاکنون در این زمینه به عمل آمده، اکثراً ناکام بوده و با شکست مواجه شده است. تردیدی نیست که دگرگون کردن ذهنیت و کنش منفی ایرانیان بر مبنای خردورزی، اخلاق و قانون‌گرایی، نخست نیازمند انجام پژوهش‌هایی در یافتن دلایل و علت‌های آن است. دوم، تعیین خط مشی و برنامه در جهت تغییر و اصلاح آنها. این نوشته در پی عرضه دلایل و علت‌های تداوم صفات و کردارهای منفی ایرانیان نیست. بی‌تردید، استبداد طولانی، ممتد و مزمن در شکل‌های گوناگون آن، قانون‌ستیزی، جلوگیری از آزادی‌ها، نابرابری‌های تبعیض‌آمیز، انواع فساد، ناامنی، خشونت‌ورزی و نیز شرایط خاص ایران از جنبه‌های تاریخی، سنتی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نظام آموزش و پرورش، از عوامل زمینه‌ساز خلق و خو، عادات و رفتارهای منفی ایرانیان بوده است.

از میان مواردی که ذکر شد، من به نقش بنیادین آموزش و پرورش در تغییر و اصلاح عادات و رفتارهای ایرانیان می‌پردازم. اگر به هدف‌ها، برنامه‌ها، کتاب‌های درسی و روش‌های آموزشی و پرورشی در سدهٔ اخیر بنگریم، در بهترین حالت، نظام آموزشی ایران اغلب از نظر آموزشی در انتقال حجم عظیم معلومات و از نظر پرورشی در عرضهٔ پند و اندرزهایی به دانش‌آموزان، خلاصه شده است. بن‌مایهٔ این رویکرد پرورشی، اخلاق فضیلت‌گرا است که از یونان باستان برخاسته و در سده‌های میانه وارد قلمرو اسلامی شده است. چنانکه پیش از این گفته و نوشته‌ام، اخلاق مبتنی بر فضیلت‌گرایی، در کنار دیگر مکتب‌های اخلاقی، از ظرفیت‌ها و آموزه‌های مثبت و سازنده‌ای برخوردار است، اما به تنهایی، به ویژه در روزگار ما، فاقد کاربردهای مؤثر در تغییر و اصلاح ذهنیت و رفتار انسان‌ها (در این مقال ایرانیان) است. آنچه در این باره عرضه کرده‌ام، «اخلاق فایده-وظیفه‌گرایی به مثابهٔ تمهیدی در جهت سازگاری اخلاق و سیاست» است (محمودی، ۱۳۹۹). البته پرورش دانش‌آموزان و دانشجویان نمی‌تواند به ساحت اخلاق محدود شود. افزون بر این، برخورداری از آگاهی‌های حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و آشنایی با قانون‌های موضوعه لازم است تا این افراد در فرایندی روشمند و سازنده، به مقام «شهروند خوب» (۱) نائل شوند. گرانگه و کلید واژهٔ چنین رویکردی به آموزش و پرورش، خردگرایی است.

هنوز در ایران، درک درستی از چیستی، چرایی و چگونگی آموزش و پرورش با هدف تربیت «شهروندان خوب» وجود ندارد. هنوز این موضوع اساسی در ایران در بوتهٔ ابهام قرار دارد که آیا هدف آموزش و پرورش «انتقال معلومات» است یا «تغییر رفتار»؟ در عمل، هنوز روش مألوف آموزش در ایران، بر مدار محفوظات و زیر یوغ سیطرهٔ گمیت است. نظام آموزشی ما فاقد برنامه‌ها، کتاب‌های درسی و روش‌های نوین آموزش و پرورش است. به برنامه‌ها و کتاب‌های درسی در ایران امروز بنگرید. آیا در آن‌ها می‌توان نمونه‌هایی از آموزشِ نظم، وقت‌شناسی، وفای به عهد، رعایت حقوق شهروندی و پرهیز از قانون‌گریزی و پنهان‌کاری را یافت؟ آیا به عنوان نمونه، به دانش‌آموزان دبستان و دبیرستان آموزش داده می‌شود که چگونه باید از عرض خیابان عبور کنند؟ چگونه باید نوبت را در مراجعات رعایت کنند؟ چگونه باید در ترافیک، به عنوان راننده و عابر پیاده، رفتار کنند؟ چگونه حق محیط زیست

را رعایت کنند؟ با همسایگان خود به‌گونه‌ای رفتار کنند که موجب آزار و رنج آنان نشوند؟ آیا مفهوم «آلودگی صوتی» و ضرورت احتراز از آن، در مدارس تدریس می‌شود؟ آیا انواع فساد، زمینه‌های پیدایش آن و راه‌های پیشگیری از آن در نظام حکومتی و بخش خصوصی، در آموزش و پرورش ما جایگاهی دارد؟ آیا مفهومی مانند قلمرو سرزمینی، ملی، حقوق شهروندی، ملت-دولت، امنیت ملی، منافع ملی، توسعه پایدار، صلح‌طلبی، جنگ دفاعی و جنگ تجاوزکارانه، در برنامه درسی دبیرستان‌های ما به چشم می‌خورد؟ در نظام آموزشی ما از چنین نگرش‌ها و رویکردهای آموزشی و پرورشی خبری نیست. نظام آموزشی کنونی در ایران، گرت‌برداری از مکتب‌خانه‌های دوران قاجار است.

نظام آموزشی را می‌توان به دو رویکرد بخش کرد. نخست، نظام آموزشی ایدئولوژیک و حکومت محور، دوم، نظام آموزشی مدنی و شهروندمحور. هر یک از این دو رویکرد، در نظام آموزش و پرورش ملی و رسمی کشورها برگزیده و به اجرا می‌شوند. رویکرد نخست، اولویت آموزشی و پرورشی را به حفظ نظام سیاسی می‌دهد، اما رویکرد دوم، نسل آزاداندیش، آگاه از تاریخ و تداوم فکری و فرهنگی، میهن‌دوست، پاینده به منافع ملی، صلح‌طلبی و توسعه همه‌جانبه و پایدار تربیت می‌کند. رویکرد نخست چندان قادر به تحقق هدف‌های خود نیست؛ گویی بر سر شاخ نشسته و بُن می‌برد (۲). رویکرد دوم در برنامه‌ریزی، محتوا، روش‌های آموزشی و پرورشی نوین و آزادی‌محور، موفق و پیروز است. تجربه‌های ممتد و گسترده در نظام‌های آموزشی و پرورشی دموکراسی‌های پیشرفته و با ثبات جهان، خردگرایی و کارآمدی این روش را اثبات کرده است.

مبنای رویکرد دوم در گام نخست، اولویت «مردم و کشور» بر «نظام‌های حکومتی» است. فراموش نکنیم که نظام‌های حکومتی همگی وابسته به کشورها هستند، نه کشورها وابسته به نظام‌های حکومتی. نخست کشوری در جهان وجود دارد مانند ایران که پیشینه هزاران ساله دارد، سپس نوبت به ضرورت نظم مدنی و تأسیس حکومت از سوی شهروندان می‌رسد؛ حکومتی مردم‌ساخته که وکیل شهروندان است و باید تابع خواسته‌ها و آراء موکلان خود،

². Nation-State

یعنی شهروندان باشد. بنابراین کشور و حفظ آن در جایگاه نخست قرارداد و نظام‌های حکومتی هر یک وابسته به مردم و کشور اند و در پی آن می‌آیند.

ما به «آموزش و پرورش مدنی» در محتوا و «آموزش و پرورش کاربردی» در عمل نیاز داریم. اگر موارد بیست و چهارگانه که به عنوان نمونه‌های دارای اولویت ذکر گردید، مبنای تغییرات و اصلاحات در نظام آموزشی ایران قرار گیرد؛ یعنی هدف‌ها، برنامه‌ها، کتاب‌های درسی و روش‌های آموزش و پرورش را دربرگیرد، می‌توان امیدوار بود که چرخه معیوب خلق و خو، عادات و رفتارهای منفی ایرانیان به تدریج متوقف شود و نسلی جدید در ایران پا به عرصه جامعه بگذارد و در نسل‌های بعد تداوم یابد. مراد از آموزش و پرورش مدنی در محتوا، اراییه این دیدگاه به دانش‌آموزان و دانشجویان است که شهروندان، همگی، فارغ از نژاد، زبان، فرهنگ، سنت، دین و مذهب، زیر چتری یگانه به نام میهن، حق دارند بدون نابرابری و تبعیض، در کشور خود زندگی شرافتمندانه و آبرومندانه‌ای داشته باشند. منظور از آموزش و پرورش کاربردی، کاستن از حجم انتقال معلومات و درپیش‌گرفتن تغییر رفتار با استفاده از روش‌های نوین کاربردی است. به عنوان نمونه، آموزش و پرورش مبتنی بر اخلاق فضیلت‌گرا، معلوماتی به ذهن دانش‌آموزان و دانشجویان وارد می‌کند، اما آموزش و پرورش کاربردی با پشتوانه‌های فلسفه حقوق، فلسفه اخلاق و فرااخلاق، در عرصه تجربه و عمل، به آنان رفتار قانون‌گرا و اخلاقی را می‌آموزد، به گونه‌ای که در موقعیت‌های مختلف، انجام افعال حقوقی و اخلاقی در ساحت‌های فردی و اجتماعی، همواره در ذهن و ضمیر افراد حضور داشته و ملکه ذهن آنان می‌شوند.

پیداست که تغییرات و اصلاحات بنیادین و اصیل در شخصیت، منش و کردار ایرانیان، صرفاً در امر آموزش و پرورش خلاصه نمی‌شود. بی‌تردید، تأمین نیازهای پایه مردم در امنیت، شغل، معیشت، سرپناه و بهداشت، پیش‌زمینه‌های گام‌نهادن در قلمرو آموزش و پرورش نوآین در راستای تغییر و اصلاح خلق و خو، عادات و رفتارهای منفی ایرانیان است.

*عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین‌الملل؛ پژوهشگر فلسفه سیاسی، فلسفه اخلاق و دین.

یادداشت‌ها

(۱) درباره «شهروند خوب»، به قلم سید علی محمودی، ن.ک.به:

۱. «شهروندان خوب در دولت‌شهر ارسطو»، ۱۳۹۳.

۲. «ایران در برابر دو گزینه: تربیت «انسان خوب» یا «شهروند خوب» (همراه با فایل صوتی)، @Drmahmoudi7

۳. «گزینه ایران کدام است: تربیت «شهروند خوب» یا «انسان خوب»؟»، @Drmahmoudi7

۴. «شهروند خوب» و «انسان خوب» چه تفاوتی با هم دارند؟ (دو بخش)، @Drmahmoudi7

(۲) «یکی بر سر شاخ، بن می‌برید

خداوند بستان نگه کرد و دید

بگفتا: گر این مرد بد می‌کند

نه با من که با نفس خود می‌کند.»

(سعدی، ۱۳۶۵، ۲۳۲).

کتابنامه

سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۵)، *کلیات سعدی*، به اهتمام محمد علی فروغی، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر.

محمودی، سید علی (۱۳۹۳)، *خرد سیاسی، جستارهایی در آزادی، اخلاق و دموکراسی*، تهران، نگاه معاصر.

محمودی، سید علی (۱۳۹۹)، «ارزیابی ظرفیت‌ها و تنگناهای اخلاق هنجاری در سیاست‌ورزی، اخلاق فایده-

وظیفه‌گرایی به مثابه تمهیدی در جهت سازگاری اخلاق و سیاست»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و

علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۵۰، شماره ۱، بهار.

کانال تلگرامی سید علی محمودی: @Drmahmoudi7

وب سایت سید علی محمودی: www.drmahmoudi.com